



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

خمس سهام

بحث در مورد خمس سهام بود، که آیا سهام نیز همانند سایر اموال و فوائدی که نصیب انسان می‌شود، مشمول خمس است یا خیر؟ ولذا ابتدا به تبیین اصل اولی در مقام پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که در ادله لفظیه اصل این است که در غیر موارد مذکور در روایات (که پنج مورد بود یا غنیمت به معنای عام بود) خمس واجب نیست و بر اساس اصل عملی، گفته شد که اگر در موردی دلیل خاص وجود نداشت و ادله عام لفظی نیز تام نبودند، باید به مقتضای اصل اولی مستفاد از اصول عملیه عمل کنیم، که بحث در مورد مجرای استصحاب یا براءت بودن، گذشت.

بعد از بحث از مقتضای اصل اولی، به سراغ بررسی ادله خاصه رفتیم که بر اساس آن‌ها بررسی کنیم که آیا متعلق خمس شامل بحث ما نیز می‌باشد یا خیر؟

آیه خمس

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانَ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

تقریب اول

در این آیه «ما» موصوله است؛ و با توجه به روایات تفسیریه، عرف و لغت مقصود از «غنیمت» فایده می‌باشد (اعم از غنیمت جنگی و سایر فوائدی که شخص به دست می‌آورد) لذا معنای آیه این چنین است: چیزی که به عنوان فایده به دست می‌آورد. در ادامه آیه آمده است که «من شیء» یعنی فایده‌ای که شیء باشد، چه کم باشد و چه زیاد باشد و «شیء» اعم از موجودات خارجی و موجودات اعتباری می‌باشد و هر کدام که عنوان فایده بر آن صادق باشد، مشمول «شیء» نیز می‌باشد. لذا بر اساس این دلیل، سهام نیز متعلق خمس است و با وجود سایر شرایط وجوب خمس، خمس به آن تعلق می‌گیرد.

اشکال اول

«شیء» در آیه شریفه شامل اشیائی که در خارج موجود نیستند، نمی‌شود ولذا امثال حقوق و اموال اعتباری مشمول آیه شریفه نمی‌شوند و شیء صرفاً به معنای موجود است؛ لذا آیه به این معنا است که آن فوائدی که از موجودات خارجی به دست آورده‌اید، خمس دارد.

پس متعلق خمس مخصوص اعیان خارجی است ولذا شامل حقوق مالی و سایر حقوقی که در مقابل آن پول عطاء می‌شود، نمی‌شود، مثل حق تألیف، سرقتی، سهام (بر اساس برخی مبانی)، برند.

به عنوان مؤید می‌توانیم این استعمال عرف را ذکر کنیم که وقتی شخصی خواب ترسناک می‌بیند، وقتی می‌خواهند او را آرام

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

کنند، به او گفته می شود که «چیزی نبود» یعنی وجود خارجی نداشته است.

پس شیء یعنی موجود خارجی.

و اگر این مطلب اثبات شود، در مورد ارتفاع قیمت نیز همین مطلب جریان پیدا می کند زیرا که ارتفاع قیمت شیء نیست و موجود خارجی نیست که مشمول خمس شود.

جواب

عرفا و لغتاً به هر امری که نوعی ثبوت داشته باشد، شیء گفته می شود تا جایی که گفته اند که به اعدام نیز شیء گفته می شود، چه ثبوت آن در عالم خارج باشد یا در عالم اعتبار باشد و در ذهن باشد و موجود ذهنی باشد، به همه اینها عرفاً و لغتاً شیء گفته می شود که مرادف آن در فارسی «چیزی» می باشد.

بنابراین بعید نیست که از این جهت شبهه ای وارد نباشد و معنای آیه اعم از موجودات خارجی باشد و مشمول حق اختراع، حق تألیف، سرقفلی و... باشد.

بر تمام این موارد اگر عنوان فایده و غنیمت، صادق باشد، مشمول آیه شریفه می شود و خمس بر آنها واجب می شود.

اشکال دوم

مفهوم شیء اعم از موجود اعتباری و خارجی می باشد و یک نحوه ثبوت برای اینکه مشمول مفهوم شیء باشد، کافی است ولیکن «شیء» در آیه شریفه منصرف به موجودات خارجی و اعیان می باشد، به دو بیان:

بیان اول: کثرت استعمال: شیء کثیراً در مورد موجودات خارجی استعمال شده است و لذا یا این کثرت استعمال سبب ظهور واژه شیء در موجودات خارجی است یا حداقل سبب انصراف به موجودات خارجی می شود.

لذا در مقام اطلاق و استعمال، شامل موجودات اعتباری نمی شود.

مثال: سبزی در لغت و عرف، شامل انواع سبزیجات می شود ولی در اثر کثرت استعمال وقتی به صورت مطلق گفته می شود «سبزی» ظهور در سبزی خوردن دارد یا اینکه حداقل انصراف به سبزی خوردن دارد.

بیان دوم: با توجه به این که مصادیق خارجی و تکوینی شیء بیشتر است و افراد خارجی به افراد اعتباری غلبه دارند و همین غلبه خارجی موجب انصراف می شود.

پس هر کجا شیء استعمال شود، منصرف به افراد خارجی است.

جواب از بیان اول

در مورد استعمالات کثیری که رخ داده است، می گوئیم که هر چند استعمالات کثیری رخ داده است که مقصود از آن ها موجودات خارجی است ولی مشخص نیست که در آن موارد که به صورت مطلق است، شیء در موجود خارجی استعمال شده است یا اینکه شیء در همان معنای خودش (اعم از موجود خارجی و اعتباری) استعمال شده است ولی تطبیق بر موجود خارجی شده است و آن موجود خارجی مصداق مفهوم عام واژه است. پس مشخص نیست که در آن موارد مستعمل فیه، موجودات خارجی است یا تطبیق بر موجود خارجی شده است و علاوه بر این که مشخص نیست، بلکه ادعا می کنیم که برعکس است یعنی شیء به همان معنای عام می باشد ولی در مقام استعمال بیشتر تطبیق بر موجودات خارجی شده است. پس دیگر شیء منصرف از معنای عام و ظاهر در موجودات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

خارجی نمی‌شود.

جواب از بیان دوم

غلبه و کثرت نوعی خاص از مصادیق در خارج، دلیل بر انصراف لفظ به معنای خاصی (مثل افراد خارجی در بحث ما) نمی‌شود زیرا که منشأ غلبه انس ذهنی است و در جای خودش در علم اصول، این مطلب بیان شده است که کثرت مصادیق خارجی، الزاماً موجب انس ذهنی نمی‌شود.

نتیجه بررسی تقریب اول: پس نمی‌توان ادعا کرد که شیء منصرف به افراد خارجی است فلذا اطلاق در آیه شریفه پابرجاست و هر موردی که فایده بر آن صادق باشد ولو امری اعتباری باشد، مشمول آیه خمس می‌گردد.

تقریب دوم

در این آیه شیء، ظهور در موجودات خارجی دارد (یا از باب معنا یا از باب حصه یا غیره) ولذا معنای آیه چنین است که «اگر بر اشیاء و اعیان خارجی، ما غنتم صادق بود و فایده بودند، خمس آن‌ها واجب است».

ولی با توجه به مناسبت حکم و موضوع، با الغای خصوصیت، آیه شامل موجودات اعتباری نیز می‌شود، زیرا که عرف با توجه به مناسبت حکم و موضوع می‌فهمد که ملاک و موضوع در خمس «فایده بودن» است و گفتن «شیء» از باب توسعه بوده است یعنی قصد داشته است که بگوید: هر چیزی که باشد و این‌که چه چیزی باشد خصوصیتی ندارد ولذا از تعبیر شیء استفاده شده است که فهمیده شود که گندم، برنج، کتاب، خانه، مرکب و... خصوصیت نداشته و این‌که قید احترازی نبوده است بلکه از باب توسعه بوده است و از آن جایی که عام‌ترین لفظ در میان الفاظ که شامل بسیاری از مصادیق شود (ولو طبق فرض شامل موجودات اعتباری نمی‌شود) واژه «شیء» بوده است، از این لفظ به کار رفته است تا اشاره به همه مصادیق ولو موجودات اعتباری کرده باشد.

پس آیه یعنی: هر فایده‌ای، خمس دارد و کأنه در آیه آمده است که: و أعلموا أنّما غنمتم...

پس ارتفاع قیمت، حق تألیف و... که موجود اعتباری هستند، مشمول وجوب خمس می‌شوند.

(دقت شود که در الغای خصوصیت لفظ در معنای خودش به کار می‌رود ولی وجه آوردن آن لفظ از باب مثال بوده است و خصوص آن معنا خصوصیتی ندارد بلکه حکم اعم از آن موضوع مطرح شده در دلیل می‌باشد، پس در ما نحن فیه نیز شیء در معنای خودش که موجودات خارجی است، استعمال شده است ولی با توجه به کلام امام علیه السلام و مناسبت حکم و موضوع، کشف می‌کنیم که شیء خصوصیت نداشته و موضوع حکم وجوب خمس، اعم می‌باشد و آمدن لفظ شیء در آیه از باب مثال، به غرض توسعه در موضوع بوده است تا تصوّر این که «ما غنمتم» اختصاص به معدن، غنیمت جنگی، گنج و... را دارد، از ذهن دور کند).

نتیجه بررسی آیه خمس:

آیه مشمول تمام فوائد می‌شود ولو فایده از امور اعتباری به دست آمده باشد.

روایات متعددی در این زمینه داریم، که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

روایت اول: صحیحہ علی بن مہزیار

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ قَرَأْتُ أَنَا كِتَابَهُ إِلَيْهِ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ قَالَ... فَأَمَّا الْعَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ - وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجُمُعَانَ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱- فَالْعَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَهِيَ الْغَنِيمَةُ يَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَ الْفَائِدَةُ يُفِيدُهَا وَ الْجَائِزَةُ مِنَ الْإِنْسَانِ لِلْإِنْسَانِ ۲ الَّتِي لَهَا حَظٌّ وَ الْمِيرَاثُ الَّذِي لَا يُحْتَسَبُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَ لَا ابْنٍ وَ مِثْلُ عَدُوٍّ يُصْطَلَمُ فَيُؤْخَذُ مَالُهُ وَ مِثْلُ مَالٍ يُؤْخَذُ لَا يُعْرَفُ لَهُ صَاحِبٌ وَ مَا صَارَ ۳ إِلَى مَوَالِيٍّ مِنْ أَمْوَالِ الْخُرْمِيَّةِ ۴ الْفَسَقَةَ ۵

که تعبیر روایت اطلاق دارد و شامل هر فایده ای ولو ناشی از امری اعتباری شده باشد، می‌شود.

اشکال

این روایت مشتمل بر ما احتمال قرینیت است. و هم در صدر روایت و هم در ذیل روایت قرینه وجود دارد: قرینه در صدر روایت: خود آیه شریفه می‌باشد، زیرا که اگر دلیل ما همین روایت باشد و در آیه گفته شود که تقریب اول تمام نیست و نسبت به الغای خصوصیت نیز اشکال دارد، و آیه دال بر این باشد که تنها موجودات خارجی مشمول خمس هستند، لذا وقتی که حضرت در مقام تفسیر همین آیه باشند باید گفت با توجه به اختصاص «ما غنمتم» در آیه به موجودات خارجی، پس الْغَنِيمَةُ يَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَ الْفَائِدَةُ يُفِيدُهَا نیز اختصاص به موجودات خارجی دارد.

پس یا قرینیت این آیه محرز است یا این که حداقل محتمل قرینیت است بنابراین در هر صورت این احتمال قرینیت، مانع از انعقاد اطلاق می‌شود.

مگر اینکه گفته شود که آیه اطلاق دارد و شامل همه موجودات ولو اعتباری می‌شود و لذا احتمال قرینیت آیه را هم نمی‌دهیم فلذا این روایت نیز دلیل محسوب می‌شود.

قرینه در ذیل روایت: همه مثال‌هایی که در ادامه روایت ذکر شده است، از مصادیق و موضوعات خارجی می‌باشند و یک مثال فایده اعتباری بیان نشده است، پس این قرینه نیز موهن اطلاق در روایت می‌شود، مگر این که کسی بگوید که در آن زمان، برای فایده، مثال اعتباری وجود نداشته است، که در این صورت این قرینه نیز مخدوش می‌شود.

۱ (۲) - الأنفال ۸ - ۴۱.

۲ (۳) - (للإنسان) - ليس في الاستبصار.

۳ (۴) - في التهذيب - و من ضرب (هامش المخطوط).

۴ (۵) - الخرمية - هم أصحاب التناسخ و الإباحة (القاموس - خرم - ۴ - ۱۰۴. هامش المخطوط).

۵ وسائل الشيعة، ج ۹، ص: ۵۰۱.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

روایت دوم

حُمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْخُمْسِ فَقَالَ فِي كُلِّ مَا أَفَادَ النَّاسُ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ.^۱

امام کاظم علیه السلام: هر فایده ای که انسان به دست می آورد چه کم باشد و چه زیاد، خمس دارد.

بررسی دلالتی

این روایت، اطلاق دارد و شامل انواع فوائد می شود.

شبهه ای که در دلالت این روایت وجود دارد، این است:

با توجه به این که موضوع در روایت «ما» موصوله می باشد می گوئیم که این عنوان مشیر به موجودات و اشیاء خارجی است و خودش به عنوان «ما» موصوله موضوع روایت و متعلق خمس نیست. (همین شبهه در آیه خمس نیز مطرح است) پس روایت اطلاق ندارد و شامل امور اعتباریه نمی شود.

جواب این شبهه نیز واضح است:

دلیل شما بر مشیر بودن، ما موصوله در این روایت چیست؟ «ما» موضوع مستقلی است که مفهوم کلی داشته و مصادیق فراوانی دارد و مثل هذا و هولاء نیست، بلکه به معنای «آنچه» می باشد و شامل هر چیزی که فایده بر آن صادق باشد، می شود. علاوه بر این که حتی اگر عنوان مشیر هم باشد، با این حال اگر قضیه خارجی باشد، حق با شماست زیرا که فرض این است که در آن زمان، امور اعتباری نبوده است و دیگر شامل اشیاء خارجی که در آن زمان نبوده است مثل هواپیما و قطار ... هم نمی شود ولی قضیه حقیقیه است نه خارجی و اختصاصی به همان زمان ندارد ولذا شامل هر چیزی که در بین انسان ها (ولو در آینده) به عنوان «ما افاد» بتوان به آن اشاره کرد و عنوان مشیر بر آن صادق باشد، مشمول این حدیث است و خمس دارد، ولذا در زمان ما «حق اختراع ما افاد الناس می باشد» و برند و سرقفلی ... ما افاد است، زیرا که در قضیه حقیقیه تمام مصادیق، مفروض الوجود در نظر گرفته می شوند ولو در همان زمان موجود نبوده است.

پس دلالت این روایت تمام است و هر فایده ای خمس دارد.

بررسی سندی

و از حیث سندی باید گفت که:

تمامی افراد در این حدیث نیز ثقة می باشند، هر چند شبهه ای در مورد حسین بن عثمان وجود دارد.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۹؛ ص ۵۰۳.

۲. با توجه به این که سماعه از اصحاب امام کاظم علیه السلام می باشد و معمولاً ابوالحسن مطلق مقصود ایشان هستند، می فهمیم که مقصود راوی،

امام کاظم علیه السلام می باشند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

علی بن ابراهیم: ثقة است.

اییه: ابراهیم بن هاشم: هر چند گذشتگان در مورد ایشان شبهه داشته اند ولی در زمان ما مسلم شده است که ایشان ثقة هستند و از اجلاء و بزرگان هستند.

ابن ابی عمیر نیز که روشن است که ثقة است.

سماعة بن مهران نیز از اجلاء و ثقات است لکن واقفی است.

حسین بن عثمان مردد بین سه نفر است، هر چند مرحوم خویی تلاش کرده است که بعضی را به بعضی دیگر برگرداند ولی حتی اگر مردد بین سه نفر نیز باشد، می‌گوییم که آن سه نفر عبارت اند از:

۱. حسین بن عثمان الاحمسی: نجاشی توثیق کرده است.

۲. حسین بن عثمان الرواسی: کشی توثیق کرده است.

۳. حسین بن عثمان بن شریک بن العامری: نجاشی توثیق کرده است.

بنابراین هر کدام که باشد، ثقة است ولذا تمامی روات حدیث ثقة هستند و چون سماعة بن مهران، واقفی است، روایت موثقه می‌گردد و معتبر می‌شود مگر کسی قائل شود که حدیث موثقه حجت نیست مثل صاحب مدارک، شهید ثانی و...؛ که در علم اصول این مبنا مردود شده است و اثبات شده است که در حجیت خبر ثقة فرقی بین خبر موثقه و صحیحه از این جهت نیست.

روایت سوم

۴ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ كَتَبَ

بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع - أَحْبَبْتَنِي عَنْ الْحُمْسِ أَعْلَى جَمِيعِ مَا يَسْتَفِيدُ الرَّجُلُ مِنْ قَلِيلٍ وَ كَثِيرٍ مِنْ جَمِيعِ الضَّرُوبِ وَ

۱. رجال النجاشي/باب الألف منه/باب الحسن والحسين/۵۴: الحسين بن عثمان الأحمسي البجلي كوفي (الكوفي). ثقة ذكره أبو العباس في رجال أبي عبد الله عليه السلام. كتابه رواية محمد بن أبي عمير أخبرناه محمد بن محمد عن الحسن بن حمزة عن ابن بطة عن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن الحسين.

۲. رجال الكشي/الجزء الأول/الجزء الخامس/۳۷۲: حمدويه قال: سمعت أشياخي يذكرون: أن حمادا و جعفرا و الحسين بن عثمان بن زياد الرواسي و حماد يلقب بالناب و كلهم فاضلون خيار ثقات.

۳. رجال النجاشي/باب الألف منه/باب الحسن والحسين/۵۳: الحسين بن عثمان بن شريك بن عدي العامري الوحيد ثقة روى عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام. ذكره أصحابنا في رجال أبي عبد الله عليه السلام. له كتاب تختلف (يختلف) الرواية فيه فمنها: ما رواه ابن أبي عمير أخبرناه إجازة محمد بن جعفر عن أحمد بن محمد قال: حدثنا محمد بن مفضل بن إبراهيم سنة خمس و ستين و مائتين قال: حدثنا محمد بن أبي عمير عن الحسين بن عثمان.

۴ (۸) - التهذيب ۴ - ۱۲۳ - ۳۵۲، و الاستبصار ۲ - ۵۵ - ۱۸۱.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

عَلَى الصُّنَاعِ وَ كَيْفَ ذَلِكَ فَكُنْتُ بِحِطَّةِ الْخُمْسِ بَعْدَ الْمَوْئِنَةِ^۱.

بعضی از اصحاب نامه‌ای به امام علیه السلام نوشتند که متعلق خمس چیست؟ آیا تمام ما یستفید الرجل خمس دارد؟ حضرت نیز در جواب نوشتند که خمس بعد از مؤنه است که ظاهر در این است که همه این موارد خمس دارد ولی بعد از کم کردن مؤنه.

پس تمام فایده ها خمس دارد.

نکته: استفاد و افاد هر دو به یک معنا می‌باشند و هر دو به معنای «فایده به دست آوردن» می‌باشند. (مثل این که استنقاذ و انقاذ به یک معنا می‌باشند: نجات دادن).

ولذا جهت دلالت همانند روایت دوم می‌باشد و از هر طریقی که فایده به دست بیاید، خمس دارد چه از راه کشاورزی باشد یا دامپروری یا هر شغل دیگر و فایده مطلق است که موجود خارجی باشد یا موجود اعتباری‌ای باشد که فایده بر آن صادق است. و البته همان شبهات قبلی در این جا وارد است ولی همان جواب ها در این جا نیز می‌آید.

بررسی سندی

سند مرحوم شیخ تا سعد بن عبدالله صحیح است.

«ابی جعفر» یا مقصود احمد بن محمد بن عیسی اشعری یا احمد بن محمد خالد برقی است، که هر کدام باشند، ثقة هستند. علی بن مهزیار: ثقة است.

نسبت به بعض اصحابنا مشکلی نیست زیرا که در روایت گفته نشده است که «عن بعض اصحابنا» بلکه گفته شده است که «کتب بعض اصحابنا» ولذا اشعری قائل است و جمله بعد مقول قول اوست و او خط امام را دیده است. (او مکاتبه و سوال و جواب را نقل کرده است)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ: اگر مقصود محمد بن الحسن بن ابی خالد اشعری: توثیق خاص ندارد و اگر شخصی دیگر نیز باشد، توثیق ندارد. (مگر این که بگوییم برخی اجلاء از او روایت نقل کرده اند مثل علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن عیسی از او مع الواسطه از او روایت نقل کرده است) ولی این وجوه عام، نیز تام نیستند.

ولذا سند این روایت تمام نیست ولی با این حال همان دو روایت قبلی و آیه شریفه برای اثبات مدعای ما کافی و تمام است. نتیجه: هر فایده ای انسان به دست بیاورد ولو از امور اعتباریه باشد، خمس دارد.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۹؛ ص ۴۹۹.



تطبیق بر موضوع بحث

هر چند بحث عام است و شامل انواع امور اعتباری مثل حق اختراع، سرقتی و... می شود ولی از آن جایی که بحث ما در مورد سهام است، نتیجه بحث از متعلق خمس را بر سهام تطبیق می دهیم:

بر اساس مبانی مختلفی که در بحث ماهیت سهام مطرح است، حکم مسئله را باید بررسی کنیم:

۱. بر اساس این که مقصود از سهام، سرمایه ها و اموال خارجی شرکت و خود شرکت باشد: هیچ مشکلی نداریم و حتی اگر شمول ادله خمس نسبت به امور اعتباری را نپذیریم، سهام مشمول متعلقات خمس می شود، زیرا در این مبنا، شرکت بدون واسطه مملوک سهامداران است و اموال شرکت نیز با واسطه (در طول مالک شرکت بودن) مملوک سهامداران است. در این مبنا اگر به لحاظ اموال شرکت نظر کنیم، از باب موجود خارجی بودن، متعلق خمس هستند و اگر به لحاظ خود شرکت نظر کنیم، از باب این که موجود اعتباری است و از آن جایی که عرفاً دارای ارزش است و در مقابلش مال پرداخت می شود فلذا مال و فایده محسوب می شود و اثبات شد که امور اعتباری دارای ارزش نیز متعلق خمس می باشند، متعلق خمس قرار می گیرند.

۲. بر اساس این که مقصود از سهام، طلبکار بودن از شرکت است: در این صورت سهامداران، طلبکاران از شرکت هستند و به میزان ارزش سهام خودشان، از شرکت طلبکار هستند، ولذا با توجه به این که مالی که طلب دارند، موجود خارجی و پول است، وارد بحث خمس دین و طلب می شود، که علماء می فرمایند که طلب قابل وصول خمس دارد و در این جا نیز قابل وصول است و شخص خودش می توانسته است سهام خریداری نکند تا طلبکار از شرکت نشود، ولی اقدام کرده است و قابل وصول نیز می باشد فلذا با فراهم شدن سایر شرایط وجوب خمس، پرداخت خمس آن واجب می شود. (البته این که باید خمس قیمت اولیه سهام را باید پرداخت کرد یا این که خمس ارتفاع قیمت واجب است، بحث دیگری است که در جای خود باید دنبال شود).

۳. بر اساس این که مقصود از سهام، حق و یا مال اعتباری باشد: اگر حق باشد، از آن جایی که در این صورت نیز، سهام قابل خرید و فروش است و در مقابل آن، مال پرداخت می شود پس «فایده» بر آن صادق است؛ اگر مال اعتباری نیز باشد، «فایده» بر آن صدق می کند، پس در هر صورت چه حق باشد و چه مال اعتباری، مشمول اطلاق آیه و روایات باب خمس می شود و متعلق خمس می شود.

پس اگر اطلاق را در ادله مربوط به خمس پذیرفته باشیم یا این که با الغای خصوصیت ادله را شامل امور اعتباری نیز دانستیم، سهام طبق تمامی مبانی، متعلق خمس خواهد بود ولی اگر اطلاق را نپذیرفته باشیم و الغای خصوصیت را نیز نپذیرفتیم و گفته باشیم که ادله شامل امور اعتباری نمی شود، در این صورت بر اساس مبنا اول، طبق فرضی که سهامداران مالک شرکت می شوند، از آن جایی که شرکت شخصیت حقوقی و امری اعتباری است فلذا متعلق خمس قرار نمی گیرد و همچنین بر اساس مبنا سوم (سهام حق یا مال اعتباری باشد)، سهام متعلق خمس قرار نمی گیرد، زیرا که در این صورت باید به مرجع فوقانی در بحث خمس رجوع کنیم که «عدم وجوب خمس» است و حتی اگر مرجع فوقانی لفظی را نپذیرفته باشیم باید به اصل عملیه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: خمس سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

متناسب مراجعه شود که در این صورت نیز باید ملاحظه شود که مبنا در بحث تعلق خمس چیست؟ آیا خمس به خود مال تعلق می گیرد یا به ذمه تعلق می گیرد یا سایر مبانی.